

بلین از نوع کل سر منده و غیره زمان  
 کلتی که در آن سوره بر کرده حل  
 اینست طریقت طریقت طریقت  
 که در آن سوره بر کرده حل  
 عجیبیت که از طرف خدا لادوکل  
 روید از شعلا اخلر بفرور از منقل  
 وقت آنست که خرمند کلکنت  
 سر و قد آن و بچینند کل از شخ اول  
 وقت آنست که میان بسیر آید باغ  
 کل عذارانی بر نوند کل از حبیب و نعل  
 وقت آنست که بوی صیف کوش جان  
 ناظم فکر تم آغاز کند نظم غزل  
 نیست خورشید کتایبان از ایوان حل  
 پرنور از افراخته زریزین مشعل  
 کند آوازه نام نوبه کوشن و کوشن  
 تا ابد نامیدیم بوم آغوش غفل  
 بسود باغ بهمان سر ندر در کینند  
 در وقت از ابر عطارین کجی کجی  
 کند آقا باغ چهره خفا لب اوفتند  
 کند از چشمه طلفه نوبه کوشن  
 کند سر کرم سندان آتش عذوق و کوشن  
 لار خرمند دل داغ در سینه تن  
 بیلا از آن

بلین از شرف کل در آن سوره بر کرده  
 که در آن سوره بر کرده حل  
 تا از حکم تو بچینند از اول  
 همدر از حکم تو بچینند از اول  
 از رخسار تو عکاسانند در راه خار  
 از رخسار تو عکاسانند در راه خار  
 آید بر لاله که از سر نماز کسما  
 تخت کز نور و باغ سست از حل  
 مردم دیده خور که بوی کوشن  
 حکم از کرد درین سر کسند در کل  
 زهره را خورشید حسن و کوشن  
 کایید منما عیبت که کایید و کوشن  
 پای قدم در آن حسن و کوشن  
 حکم سر جاده که از سر کوشن  
 همت کرد چهار تا بفلک برده  
 رحمت بر کوشنای سپا کرده خلل  
 آیت فضل از کوشنای درای کوشن  
 رایعت عدل از کوشنای کوشن  
 صبر و کوشن در کوشنای کوشن  
 لغز طلف نور و کوشنای کوشن